

خاطرات تلخ

هاله آنقدر با خاطرات تیره و تار گذشته‌اش احاطه شده بود که سعی می‌کرد به سختی با آنها کنار بیاید. انحرافات جنسی گذشته‌اش و دفاعاتی که به خودکشی دست زده بود به شدت او را آزار می‌داد. مدت کوتاهی پس از ازدواجش چشمانش بر روی این حقایق باز شده بود. شوهرش جیمز پشیمان خوبی برای او بود، اما این واقعیت که او گناهان گذشته‌اش را از همسرش مخفی کرده بود باعث می‌شد که بر میزان احساس گناهش افزوده شود. روز و شب با به یاد آوردن گذشته‌اش ناامید و افسرده می‌شد وقتی به یاد می‌آورد که او به عنوان یک فرد مسیحی چنین گناهانی را مرتکب شده است بیش از پیش احساس بیچارگی و ناتوانی می‌کرد و در چنین شرایطی از زندگی و زنده بودن متنفر شده بود.

تاد هم با گذشته‌اش مشکل داشت در تجارت ناموفقی که در زمینه سخت‌افزار داشت قرض زیادی بالا آورده بود و برنامه‌هایی که برای ثروتمند شدن داشت جز بدبختی و فلاکت برای او و همسرش چیز دیگری به ارمغان نیاورده بود. دائم با دیگران اوقات تلخی می‌کرد، مشروب‌خواری و کج خلقی فاصله زیادی بین او و همسر و فرزندانش ایجاد نمود و در نهایت به یک جدایی تلخ منتهی شد. «چرا در مقابل بچه‌ها آن حرف‌ها را به او زدم؟ من می‌دانستم که هیچ کدام از آن حرف‌ها حقیقت ندارد.» بعدها در نزد شبانش اعتراف کرد که «من باعث خرابی زندگی زناشویی‌ام شدم، همسر من در این مورد بی‌تقصیر بود و من دیگر نمی‌توانم در این مورد کاری انجام دهم.»

آیا در عیسای مسیح برای افرادی که در شرایطی مانند هاله و تاد قرار دارند و از گذشته خود رنج می‌برند امید و کمکی وجود دارد؟ آیا گذشته شما را آزار می‌دهد؟ شاید این خاطره یک گناه بزرگ و یا شاید یک رفتار اشتباه باشد. این خاطرات می‌توانند شما را به ستوه آورده و زندگی‌تان را فلج کنند. اگر با گذشته خود درگیر هستید، بدانید که تنها نیستید، به بخشی از سخنان شبان خردمند، دی مارتین لوید جونز D. Martyn Lloyd Jones توجه کنید: در حال حاضر مشکل ما کسانی هستند که به خاطر گذشته خود عذاب می‌کشند و می‌پندارند که هیچ راهی برایشان باقی نمانده و یا اینکه دچار افسردگی شده‌اند، باید اعتراف کنم در طول سال‌های زیادی که از خدمت من می‌گذرد دریافته‌ام که این مشکل بیش از هر مشکل دیگری افراد را آزار می‌دهد و تعداد افرادی که به خاطر این مشکل خاص به من مراجعه می‌کنند بیش از موارد دیگر است. خداوند در کلامش یک راه حل برای این مشکل ارائه داده است، راه حلی که آنقدر قوی و روح‌افزا است که ماورای تصور ماست. پاسخ خداوند چیست؟

### هدف ما تغییر دادن ذهنیت شماست

بگذارید ابتدا هدفمان را برای شما مشخص کنم. اکثر افرادی که خاطرات ناخوشایندشان آنها را آزار می‌دهد مایل هستند که این خاطرات به کلی از ذهنشان محو شود. آنها به من می‌گویند: «من فقط می‌خواهم گذشته را فراموش کنم. دلم می‌خواهد این خاطرات از من دور شوند.» اگر بخواهم به زبان ساده‌تر بگویم آنها خواستار نوعی پاکسازی حافظه هستند. اگر هدف شما از بین بردن گذشته است، بدانید که دنیا یک لیست بزرگ از انواع راه‌های فرار در اختیار شما قرار می‌دهد، از جمله اینکه به مواد مخدر رو بیاورید یا اینکه با مصرف بیش از حد مشروبات الکلی ذهنتان را تا حدودی غیرفعال کنید. تاد بعدها اعتراف کرد که «من مشروب می‌خورم تا بتوانم دردهایم را فراموش کنم.» هاله هم انواع مختلفی از راه‌کارهای درمانی حافظه مانند شوک الکتریکی را تجربه نمود که همگی آنها به نوعی پاکسازی حافظه را به همراه دارند.

از سوی دیگر عده‌ای از به ظاهر یاری‌دهندگان سعی می‌کنند که مشکل را به کل انکار کنند و هدف دیگری را دنبال نمایند که می‌توان آن را راه حل فراموش کردن گذشته نامید. عده‌ای از مسیحیان به فیلیپیان ۳: ۱۳ روی می‌آورند که در آن گفته شده است: «آنچه در عقب است را فراموش کنید» و بدین ترتیب افراد را تشویق می‌کنند تا فراموش کنند و به سوی آینده‌ای که در پیش است حرکت کنند. این مشاوره‌ای بود که هاله از یک کشیش که در رادیو موعظه می‌کرد شنیده بود: «زمانی که افکار بد شما را احاطه می‌کنند فقط دعا کنید و انجیل بخوانید، به کلیسا بروید و به عیسی خدمت کنید، در گذشته زندگی نکنید، برای حال زندگی کنید.» هر چند که ممکن است این مطلب در نگاه اول جذاب و فریبنده باشد، اما در واقع باعث می‌شود که افرادی که در رنج هستند گمراه شوند و به بیراهه بروند. این تفسیری که از فیلیپیان ۳: ۱۳ انجام گرفته است اشتباه است، منظور پولس این نیست که باید گذشته را به دست فراموشی بسپاریم، بلکه او در این آیه قصد دارد توضیح بدهد که خودش سعی می‌کرده به جای عیسی از طریق عقاید مذهبی خود مشکلاتش را حل کند و به خدا برسد. پولس اصلاً نمی‌گوید که «دزدی‌هایی را که در گذشته مرتکب شده‌اید را

فراموش کنید.» هر شبانی که چنین مشاوره‌ای را به افراد بدهد کار نادرستی انجام داده است. کاملاً درست است که دعا، کلام، کلیسا و خدمت به مسیحیان از بخش‌های ضروری پاسخ خداوند است، اما راه حل «فقط گذشته را بدست فراموشی بسپارید.» این شیوه غنی و پر قوت را در جایگاه اصلی خود به کار نمی‌گیرد. اگر از راه درست وارد نشویم این موارد نمی‌توانند کمک زیادی به افراد بکنند. راه حل فوق هدف بزرگتری را که خداوند برای ما در نظر دارد را نادیده می‌گیرد و آن چیزی نیست جز به شباهت مسیح در آمدن.

خبر خوش این است که اگر شما به مسیح تعلق دارید، خداوند نقشه بهتری برایتان در نظر دارد، خداوند قصد ندارد که خاطرات ناخوشایند را از ذهن ما پاک کند، بلکه می‌خواهد آنها را احیا نماید. او می‌خواهد آن خاطرات را به چیزهای نیکو تبدیل کند، چیزی که شما را بیش از پیش به شباهت مسیح در خواهد آورد. امیدی را که در پس این مطلب برای مسیحیان نهفته است را درک می‌کنید؟ یادآوری گناهان گذشته شما حتی بدترین آنها می‌توانند شرایطی برای رشد شما فراهم کنند. لازم نیست که از گذشته خود فرار کنید، فاصله بگیرید، آن را بپوشانید و یا اینکه آن را فراموش کنید. شما می‌توانید آن را به شیوه‌ای خداگونه مجدداً تفسیر نمایید. هدف خداوند پاکسازی و یا تکذیب ذهن شما نیست، بلکه او می‌خواهد اذهان را احیا نماید.

### چشم‌اندازی انجیلی بر خاطرات

خداوند چگونه می‌تواند خاطرات تلخ گذشته را احیا نماید؟ او چشم‌اندازی را که خودش نسبت به آنها دارد را به شما عطا خواهد فرمود. چشم‌اندازی که بر پایه انجیل بنا نهاده شده باشد به شما کمک می‌کند تا سه چیز را درک کنید.

۱- خداوند در گذشته شما حضور داشت. وقتی شما کارهای خطایی را که اکنون آزارتان می‌دهد را انجام می‌دادید خداوند نخواستید بود، به مرخصی هم نرفته بود. فرقی نمی‌کند که این گناهان را قبل از ایمان به مسیح انجام داده‌اید و یا بعد از آن در هر دو صورت خداوند در کنارتان حضور داشته است، حال او می‌خواهد گذشته شما را به چیزی نیکو تبدیل کند. این الگویی است از تصویری که یوسف از اعمال شیربرانه برادرانش در پیدایش ۵۰: ۲۰ داشت: «شما درباره من بد اندیشید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد.» (پیدایش ۵۴: ۵-۷، اعمال رسولان ۱۷: ۲۵-۳۱، رومیان ۸: ۲۸-۲۹، افسسیان ۱: ۴، ۱۱، ارمیا ۲۹: ۱۱ را هم بخوانید).

۲- گذشته شما آینده‌تان را کنترل نمی‌کند. ممکن است گذشته شما بر اعمال و عقاید کنونی‌تان تأثیر بگذارد، اما شما در گرو کارها و اتفاقات گذشته نیستید. شما محکوم نیستید، بلکه در عوض در مسیح خلقت تازه‌ای دارید (دوم قرنتیان ۵: ۱۷) بخشیده شده و آزاد شده‌اید و در این شرایط شما شخصی مسؤول هستید که فعالانه وضعیت خود را تفسیر می‌کنید و نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهید (به پیدایش ۳۷: ۵، امثال ۴: ۲۳، مرقس ۷: ۱۴-۲۳ و یعقوب ۱: ۱۳-۱۵ رجوع شود). سؤال اینجاست که آیا شما به بخشش خداوند و توانایی‌اش برای تبدیل شرارت به نیکویی ایمان دارید؟ آیا در تصمیم‌گیری‌ها و عکس‌العمل‌هایتان این موضوع را مد نظر قرار می‌دهید؟

۳- خاطرات شما از تفسیری که از گذشته دارید نشأت می‌گیرند (به پیدایش ۵۰: ۲۰، رومیان ۸: ۲۸-۲۹، اعداد ۱۱، مزامیر ۷۸: ۱۱، ۱۰۶: ۱۳، حزقیال ۱۶ رجوع شود). چیزی که شما به یاد می‌آورید دقیقاً همان چیزی که اتفاق افتاده نیست، بلکه تفسیری است که شما از وقایع گذشته دارید، آنها حقایق دست نخورده نیستند، بلکه حقایقی هستند که مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته‌اند و این بدان معنی است که قابلیت تعبیر و تفسیر مجدد دارند و اینجا نقطه‌ای است که امید و آرمان در آن نهفته است. دیدگاه انجیل به شما کمک می‌کند که تفسیر درستی از گذشته خود داشته باشید و آنها را برای خودتان به چیزهای نیکو تبدیل کنید و این راهی است که به شما کمک می‌کند تا گذشته را پشت سر بگذارید.

بلافاصله بعد از اینکه به ویرجینیای غربی نقل مکان کردم، عینکم را گم کردم. از آنجایی که آدمی تن‌پرور و مغرور بودم سعی می‌کردم از دست رفتن قدرت بینایی‌ام را نادیده بگیرم و مدت‌ها بدون عینک سپری کردم. سرانجام پس از یک آزمایش بینایی سنجی و فشارهای عاشقانه‌ای که از طرف همسرم به من وارد می‌شد یک عینک جدید گرفتم و پس از آن وارد دنیای جدیدی شدم، ناگهان تابلوهای تبلیغاتی برایم قابل خواندن شدند، اجسام کوچک بزرگ و رنگها روشن و شفاف شدند عینک قدرت بینایی مرا تقویت کرد و به من اجازه داد تا اجسام را همانطور که

هست ببینم. خاطرات شما هم همین طور هستند وقتی عینک کلام خدا را به چشم بگذارید و از چشم‌انداز مسیح نگاه کنید گذشته‌تان را به گونه‌ای کاملاً متفاوت خواهید دید و همانند یوسف از اهداف پرقت، پر حکمت و مملو از عشق خداوند در زندگی‌تان نتایج مثبتی کسب خواهید نمود.

### سه نشانه یک ذهن احیا شده

سؤال این است: چطور باید گناهان گذشته خود را تفسیر کنیم تا بتوانیم اهداف احیاگر خداوند را در زندگی‌مان درک کنیم؟ حقیقت زندگی پولس رسول می‌تواند راهنمای خوبی برای ما باشد. پولس در اواخر خدمتش به تیموتاؤوس نامه‌ای نوشت و از او درخواست کرد که دوست ترسوی خود را با قوت خداوند قوی بسازد. در اول تیموتاؤوس ۱: ۱۲-۱۷ پولس فرا خوانده شدن خودش را به خدمت به یاد می‌آورد، زمانی که او فعالانه بر کلیسای مسیح جفا روا می‌داشت، به شهادت او گوش کنید: و شکر می‌کنم خداوند خود مسیح عیسی را که مرا تقویت داد، چونکه امین شمرده به این خدمتم ممتاز فرمود که سابقاً کفرگو و مضر و سقط گو بودم، لیکن رحم یافتم از آنرو که از جهالت در بی‌ایمانی کردم، اما فیض خداوند ما بی‌نهایت افزود با ایمان و محبتی که در مسیح عیسی است.

این سخن امین است و لایق قبول تام که مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات بخشد که من بزرگترین آنها هستم، بلکه از این جهت بر من رحم شد تا اول در من مسیح عیسی کمال علم را ظاهر سازد تا آنانی را که به جهت حیات جاودانی به وی ایمان خواهند آورد، نمونه باشم. باری پادشاه سرمدی و نادیده را خدای حکیم وحید را اکرام و جلال تا ابدالابد. آمین.

پولس گذشته گناه‌آلود خود را مخفی نمی‌سازد، بلکه آن را از چشم‌انداز انجیل تفسیر می‌کند. او از گذشته‌اش نمی‌گریزد، اجتناب نمی‌کند و آن را به فراموشی نمی‌سپارد او از چشمان خداوند به آن نگاه می‌کند، به همین دلیل است که این متن با یک مطلب مثبت به پایان می‌رسد. عیسی حتی گناهکاران بزرگی مانند پولس را نجات می‌دهد و تبدیل می‌کند و خداوند در خلال این مراحل جلال می‌یابد. زمانی که پولس از چشم‌انداز عیسی و انجیل به گذشته‌اش نگاه می‌کند در او توبه‌ای عمیق، قدردانی وافر ایجاد شده و به او قوتی عطا می‌شود که بتواند دیگران را بهتر و مؤثرتر یاری دهد. اجازه بدهید که هر مورد را بطور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

### توبه عمیق

اگر صادقانه زشتی‌های اعمال گذشته خود را ببینید، با قوت بیشتری توبه خواهید نمود. در آیات بالا پولس شرارت خود را به یاد می‌آورد. او به خداوند کفر می‌گفت، گناهی که از نظر دین یهود جزو بزرگترین گناهان بشمار می‌رود. در دوران قبل از ایمانش به کلیساهای مسیح جفا روا می‌داشت او مردی خشن و بیرحم بود که بر ضرب و جرح و سنگسار شاگردانی چون استفان در اعمال ۷ نظارت داشت. با این وجود پولس از یادآوری این گناهان پرهیز نمی‌کند و اصلاً سعی نمی‌کند که آنها را به فراموشی بسپارد، بلکه در مقابل شرارت‌هایش را به خودش و تیموتاؤوس یادآور می‌شود.

به یاد آوردن گناهان گذشته چه فایده‌ای دارد؟ یکی از فواید آن این است که باعث می‌شود با کسانی که به آنها ظلم کرده‌اید صلح کنید و در صدد جبران ظلم روا شده برآیید (البته اگر قبلاً این کار را انجام نداده باشید). شاید یکی از دلایلی که بعضی از گناهان فکرتان را به خود مشغول می‌سازند این است که هنوز کاملاً رفع نشده‌اند، شاید این افکار نشانگر این موضوع باشند که باید رابطه‌ای خدشه‌دار را از نو برقرار نمایید و در این مورد بیشتر تلاش کنید. رابطه ساندر و مادرش نمونه‌ای از این مورد است. ساندر به مدت ۲۰ سال با گناه بد رفتاری با مادرش درگیر بود و نقطه آغازین گناه زمانی بود که مشورت محبت‌آمیز مادرش را در مورد کالج، شغل و ازدواجش نادیده گرفت و این کار چندین مرتبه دیگر هم تکرار شد تا اینکه روابطشان به تاریکی گرایید و گناه ساندر را چندین برابر شد.

ساندر با ندامت فراوان اقرار می‌کند که «واقعاً نمی‌توانم باور کنم که من تا این حد کله شق بودم.» وقتی که ساندر توبه کرد و از مادرش طلب بخشش نمود تلاش او برای انجام گناهان بیشتر متوقف شد و خاطرات تلخ و ناگواری که آزارش می‌دادند کمرنگ گشت. علاوه بر این یادآوری گناهان گذشته باعث می‌شود که شما نسبت به هوس‌هایی که تهدیدتان می‌کنند حساس‌تر شوید درست مانند کودکی که اگر یک بار توسط اجاق گاز بسوزد، دفعات بعد

محتاطانه‌تر عمل خواهد نمود، یادآوری شرارت‌های گذشته شما را از انجام مجدد آنها باز خواهد داشت. «چنانکه سگ به قی خود برمی‌گردد، همچنان احمق حماقت خود را تکرار می‌کند.» کسی که حقیقتاً توبه کرده باشد از برداشتن اولین گامی که او را به منجلا بکشانده است به شدت اجتناب می‌کند.

رومیان ۶ این موضوع را بسط می‌دهد و فیض خداوند را که در مسیح است را به ما یادآوری می‌کند. یکی شدن با عیسی مسیح قیام کرده، حیاتی تازه به ما عطا خواهد نمود، حتی در این شرایط باز هم پولس از ما می‌خواهد گناهان گذشته را به یاد داشته باشیم «پس آن وقت چه ثمر داشتید از آن کارهایی که الان از آنها شرم‌منده‌اید که انجام آنها موت است» (رومیان ۶: ۲۱). چرا پولس ما را ترغیب می‌کند که گناهان گذشته‌مان را به خاطر داشته باشیم؟ آیا این کار ضرر ندارد؟ ایون موریس که بر روی انجیل تحقیق می‌کند چنین می‌گوید: «ما نباید قدرتی را که او در حال حاضر دارد را نادیده بگیریم. زمانی که برده گناه بودند احساس شرم نمی‌کردند... فقدان شرم و حیا نمایانگر حیاتی گناه‌آلود است، اما پس از ایمانشان به شرارت گناه می‌نگریستند و به اعمالشان نظر می‌فکندند تا شرم‌انگیز بودن آنها را به یاد آورند.» جان کالوین John Calvin می‌گوید: «تنها کسانی که حقیقتاً از اعمال خود ناراضی‌اند و از شرارت‌هایشان شرم‌منده‌اند قادر خواهند بود که انجیل مسیح را واقعاً درک کنند.»

عده‌ای با این نظر مخالفند و می‌گویند: «درست نیست که یک مسیحی احساس شرم نماید. شرم چیز خوبی نیست.» منابع روان‌شناسی معاصر (حتی برخی از نسخه‌های مسیحی) هم با این امر موافقت، اما این نتیجه‌گیری سطحی عمق کلام خدا را نادیده می‌گیرد. البته ایمانداران مسیحی باید اطمینان داشته باشند که در مسیح هیچ قصاصی نیست (رومیان ۸: ۱). ما موظفیم هر روز با نور محبت الهی گرم شویم، موظفیم به بخشش پاک‌کننده او اعتماد کنیم و آب حیاتی را که به ما عطا می‌کند را بنوشیم. با وجود این اوصاف انجیل از ما می‌خواهد که شرم کمرنگی از گناهان گذشته را به همراه داشته باشیم. درست مانند پولس رسول و حزقیال نبی که از این نوع شرم تحت عنوان میوه نیکو یاد می‌کنند. در عهد جدید میوه الهی توبه در پاسخ به فیض خدا وعده داده شده است. در حزقیال ۱۶ آمده است: «به هر حال من برخواهم گردانید... تا خجالت خود را متحمل شده، از هر چه کرده‌ای شرم‌منده شوی چونکه ایشان را تسلی داده‌ای.» با توجه به این متن جان تیلور John Taylor نمونه‌های مشهوری را به ما یادآور می‌شود: «پولس به یاد می‌آورد که بر کلیسا جفا روا می‌داشت (اول قرن‌تین ۱۵: ۹، اول تیموتاؤوس ۱: ۱۳) جان نیوتن روزهایی که به کار برده‌فروشی مشغول بود را به یاد داشت.

ارزش این خاطرات در این است که از غرور جلوگیری می‌کند. حتی گناهکارانی که بخشیده شده‌اند نباید فراموش کنند که گذشته‌ای را در پشت سر دارند که باید از آن شرم‌منده باشند. هیچ تضادی بین لذت عادل شمرده شدن کنونی و شرم‌منده بودن از اعمال گذشته وجود ندارد. هر دو نمادی از یک مسیحی بالغ می‌باشند. حزقیال ادامه می‌دهد: «لیکن من عهد خود را که در ایام جوانی‌ات با تو بستم را به یاد خواهم آورد و عهد جاودانی با تو استوار خواهم ساخت... آنگاه راه‌های خود را به یاد آورده خجل خواهی شد... و من عهد خود را با تو استوار خواهم ساخت و خواهی دانست که من یهوه هستم، تا آنکه به یاد آورده خجل شوی» (حزقیال ۱۶، ۶۰-۶۳). تیلور چنین ادامه می‌دهد: «واکنش اسرائیل بدینگونه خواهد بود که از لطف خدا شرم‌منده شده، توبه نموده و خویشتن را مکروه خواهند داشت (حزقیال ۴۳: ۲۰) و در نتیجه نام خداوند را به گونه‌ای به زبان خواهند آورد که قبلاً انجام نمی‌دادند.» ثمر فیض شامل نوعی مکروه داشتن خداگونه خویشتن می‌باشد.

به عهد تازه‌ای که در حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۲ آمده است توجه کنید. خداوند عهد می‌بندد که قومش را نجات می‌دهد، خالص می‌گرداند و برکت می‌دهد. این کار چه نتیجه‌ای در پی دارد؟ «و چون راه‌های قبیح و اعمال ناپسند خود را به یاد آورید، آنگاه به سبب گناهان و رجاسات خود خویشتن را در نظر خود مکروه خواهید داشت و خداوند یهوه می‌گوید: بدانید که من این را به خاطر شما نکرده‌ام پس ای خاندان اسرائیل به سبب راه‌های خود خجل و رسوا شوید.» پس شرم خداگونه نه تنها بد نیست، بلکه امری پذیرفته و مقبول بشمار می‌رود. پولس رسول و حزقیال نبی چه تعلیمی به ما می‌دهند؟ به یاد داشتن گناهان گذشته و شرم‌مگین بودن از آنها موجب می‌گردد که ما از تکرار مجدد آنها روی گردان شویم و فیض نجات‌بخش خداوند را دریافت نماییم.

سال‌ها پیش با خانمی مشاوره می‌کردم و او به یکی از جلساتی که من رهبری آن را بر عهده داشتم آمد. مری تکالیفی

را که برای مشاوره به او داده بودم را به صورت یک مجله درآورده بود که شامل گزارشی از دعاهایی بود که او در فرآیند جدالی که با مشکلیش داشت انجام داده بود. شایان ذکر است که مشکل او همان مشکلی بود که موضوع بحث ماست. قبل از آغاز جلسه، او یک کپی از یادداشت‌هایش را به من داد و من فرصت یافتم تا قبل از شروع جلسه روز بعد آن را بخوانم، پس از آن مری مظلومانه از من پرسید که آن شب قرار است در جلسه چه کاری انجام دهیم؟

من به چشمانش نگاه کردم و گفتم: «قرار است در جلسه درمورد یادداشت‌های شما صحبت کنیم.» هنوز هم با یادآوری آن خاطره از شرم بر خود می‌لرزیم. هر چند که من هرگز قصد نداشتیم نوشته‌های او را در جلسه مطرح کنم، ولی شوخی بی‌مورد آن روزم موجب شد که مری به شدت آزرده شود. سوءاستفاده از اعتماد او و ترس از مطرح ساختن خصوصی‌ترین مسایل زندگی‌اش رنجش بزرگی برایش ایجاد کرده بود. چیزی که امثال ۱۲: ۱۸ از آن تحت عنوان «حرف‌های باطل مثل ضرب شمشیر» یاد می‌کند. من این خواهر مسیحی را مجروح ساختم.

خداوند به من کمک کرد تا بتوانم به سرعت توبه کنم و از او طلب بخشش نمایم. او مرا بخشید، اما خاطره شرم‌انگیز آن عمل همیشه با من است، حتی اگر خداوند آن را احیا کند، اگر بخواهم آن را از زبان پیدایش ۵۰: ۲۰ نقل کنم، باید بگویم من بد اندیشیدم، اما خداوند از آن قصد نیکی کرد! و اگر از این جنبه به مسأله نگاه کنم، همیشه خداوند را به خاطر به یاد آوردن این خاطره شاکرم، زیرا که یادآوری آن درس بزرگی را به خاطر می‌آورد، به یاد می‌آورم که بدون مسیح من یک گناهکار سخت دلم. به من هشدار می‌دهد که مشاوره و شبانی مرا از خطر گناه مصون نمی‌کند. به من می‌آموزد که در مرادوه با افراد محتاط باشم و از اطلاعاتی که آنها در اختیارم قرار می‌دهند به شدت مراقبت کنم. وقتی که خاطرات گناه‌آلود به ذهن شما حمله می‌کنند شما چه عکس‌العملی نشان می‌دهید؟ اعتراف به گناه بدون هیچ بهانه‌ای. تشکر از خداوند به خاطر اینکه به شما گناه‌آلود بودن گناه را یادآور می‌شود و تجدید نمودن عهد خود به یاری روح‌القدس و از بین بردن آن گناه و جایگزین نمودن آن با اعمال و افکار مسیح‌گونه.

### قدردانی وافر

شیوه دیگری که خاطرات گناه‌آلود ما احیا می‌شوند زمانی است که به آنها اجازه دهیم تا به ما کمک کنند تا خداوند را به خاطر لطف و محبتش در مسیح شاکر باشیم. اگر به مثال پولس در اول تیموتاؤوس ۱: ۱۲-۱۷ رجوع کنیم در خواهیم یافت که او نه تنها گناهان گذشته‌اش را به یاد می‌آورد، بلکه خداوند را به خاطر فیض و رحمتش شاکر است و او در این متن هر دو کار را با هم انجام می‌دهد. «و شکر می‌کنم خداوند خود مسیح عیسی» (آیه ۱۲).

«که سابقا کفرگو و مضر و سقط‌گو بودم، لیکن رحم یافتم...» (آیه ۱۳). می‌بینم که پولس همزمان هم گناهان وحشتناکش را به یاد می‌آورد و هم خداوند را حمد می‌گوید! و این دو عمل هیچ تناقضی با هم ندارند. اگر درست نگاه کنیم در خواهیم یافت که فیض خداوند در کاستی‌های ما تجلی می‌یابد. «اما فیض خداوند ما بی‌نهایت افزود با ایمان و محبتی که در مسیح عیسی است» (آیه ۱۴). به این سخن صادقانه در آیات ۱۵-۱۶ گوش فرا دهید. «این سخن امین است و لایق قبول تام که مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات بخشد که من بزرگترین آنها هستم، بلکه از این جهت بر من رحم شد.» پولس با نیایشی عالی این متن را به پایان می‌برد «باری پادشاه سروری و باقی و نادیده را خدای حکیم و وحید را اکرام و جلال تا ابد الابد. آمین»

تبادل پولس درمورد این موضوع بسیار شگفت‌انگیز است. از یک سو گذشته‌اش را فراموش نمی‌کند و از آن اجتناب نمی‌ورزد. او آزادانه می‌پذیرد که کفرگو و مضر و سقط‌گو بوده است و از سوی دیگر او با این حقایق زندگی نمی‌کند، او بر اساس کار نجات‌بخش مسیح و رحم و فیض خداوند در فرستادن چنین نجات‌گری زندگی می‌کند. او می‌خواهد که گذشته‌اش فیض خداوند را نشان دهد. گناهکاری که عیسی برای نجاتش آمد، گناهکاری حقیقی است که گذشته‌ای شرم‌انگیز در پشت سر دارد. در کلام علاوه بر پولس از گناهکاران دیگر نیز یاد شده است. در لوقا ۷: ۳۶-۵۰ عیسی به منزل شمعون فریسی می‌رود. زنی گناهکار وارد خانه می‌شود. گستاخانه پاهای عیسی را با اشک‌هایش می‌شوید و با موهایش خشک می‌کند. سپس پاهای وی را می‌بوسد و با عطر تذهین می‌کند. شمعون اعتراض کرده و می‌گوید: عیسی نباید به چنین گناهکاری اجازه دهد که پاهای او را آلوده کند.

عیسی با یک تمثیل ساده به او پاسخ می‌دهد: «طلبکاری را دو بدهکار بود که از یکی پانصد و از دیگری پنجاه دینار

طلب داشتی، چون چیزی نداشتند که ادا کنند هر دو را بخشید. بگو کدام یک از آن دو او را زیاده‌تر محبت خواهند نمود شمعون در جواب گفت: گمان می‌کنم آنکه او را زیاده‌تر بخشید. به وی گفت نیکو گفتی» (آیات ۴۱-۴۳). سپس شمعون را که خود را عادل می‌پنداشت را سرزنش نمود و عمل زن را تحسین کرد (آیات ۴۴-۴۶). «از این جهت به تو می‌گویم گناهان او که بسیار زیاد است آمرزیده شد، زیرا که محبت بسیار نموده است، لیکن آنکه آمرزش کمتر یافت، محبت کمتر می‌نماید» (آیه ۴۷).

چه چیزی در این زن چنین محبت عمیقی نسبت به عیسی ایجاد نموده است؟ آمرزیدن گناهان متعدّدش! خداوند به ما می‌آموزد که کسانی که بسیار بخشیده شده‌اند (مانند آن زن) بسیار محبت می‌نمایند، ولی کسانی که فیض مسیح را کوچک می‌شمارند (مانند شمعون) محبت ناچیزی دارند. به عبارت دیگر گناهکاران بزرگ نجات‌بخشی بزرگ نیاز دارند و او را عمیقاً ستایش خواهند نمود. زمانی که به خاطرات گذشته خود اجازه می‌دهیم تا در ذهنمان زنده شوند بیشتر به فیض خداوند پی برده و با انرژی بیشتری او را خواهیم ستود. یکی از متونی که بسیار آرامش‌بخش است در اول تیموتاؤس ۱: ۱۵ آمده است: «مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات بخشد که من بزرگترین آنها هستم.» آیا شما می‌توانید لذت و شادی پولس را از یادآوری کار مسیح درک کنید؟ هر چقدر هم که گناهان ما شرم‌انگیز و زشت باشند، ما هرگز نباید بر آنها متمرکز شویم.

خادم اسکاتلندی رابرت موری مک چین Robert Murray M> cheyne همیشه می‌گفت: «به هر اندازه که به گناهان خود نگاه می‌کنید، ده برابر آن به مسیح نظر بیندازید.» ما باید همیشه بر مسیح متمرکز باشیم، نجات‌بخشی که کاملاً و تا ابد گناهان ما را از بین می‌برد و ما را از هر ناراستی پاک می‌کند. ما در او رحمت و نجات داریم و می‌توانیم خاطرات تلخ خود را به خاطراتی مفید تبدیل نماییم. شبان سی جی ماهانی C. J. Mahaney در کتابش تحت عنوان زندگی صلیبی The cross centered life با توجه به زندگی خودش به این حقیقت اعتراف می‌کند، در دورانی که به دبیرستان و کالج می‌رفت به اعتیاد روی آورد و نسبت به خداوند عناد ورزید. سپس خداوند او را نجات داد. اکنون که در همان منطقه زندگی می‌کند دائماً خاطرات گذشته‌اش را به یاد می‌آورد. به نظر شما تحمل کردن چنین وضعیتی سخت نیست؟ زیاد نه.

به شهادت او گوش فرا دهید: «امروزه افراد زیادی سعی می‌کنند که از گذشته بگریزند. ممکن بود من هم همین کار را انجام دهم، اما در جایی زندگی می‌کنم که پر از خاطرات گذشته است. به نظر من زندگی کردن در چنین مکانی هدیه‌ای از جانب خداوند بوده است. خاطراتی که دائماً برایم تداعی می‌شوند در نزد من بسیار با ارزشند. چرا؟ برای اینکه من هم مانند پولس اصلاً دوست ندارم فیض و رحم عظیمی را که خداوند بر من روا داشته است را فراموش نمایم.» چطور ممکن است به یاد آوردن گناهان گذشته هدیه‌ای از جانب خداوند باشد؟ چه چیزی موجب ارزش بخشیدن به آنها می‌شود؟ فیض تبدیل‌کننده خداوند. «من اصلاً دوست ندارم فیض و رحم عظیمی را که خداوند بر من روا داشته است را فراموش نمایم.»

معنی این مطلب این است که زمانی که خاطرات تلخ گذشته به سوی شما هجوم می‌آورند، باید از این موقعیت استفاده کنید و صلیب را به یاد آورید. اعتراف کنید که «بله خداوند، من گناهکارم و از اعمال خود شرمسارم، اما عیسی بهای گناهان مرا پرداخت نمود و جریمه مرا به خود گرفت. لطفاً این خاطرات را در ذهن من هرس کن، اما تا زمانی که این کار تو در من تکمیل شود من به خاطر فیض نجات‌بخش در عیسی مسیح تو را ستایش می‌کنم.» شوهری پس از طلاق و ازدواج مجددش تازه این حقیقت را دریافته بود، او و همسر جدیدش برای مشاوره به نزد من آمدند. خیلی زود برای من روشن شد که او گناهان حل نشده در ازدواج اولش را در ازدواج دوم نیز به دنبال خود می‌کشانند، در این نقطه مسیر مشاوره ما تغییر کرد و گناهانی را که در قبال همسرش انجام داده بود را مورد بازبینی قرار داد، در مقابل خداوند توبه نمود و تصمیم گرفت که برای او نامه‌ای بنویسد و در آن به گناهانش اعتراف کند.

او تقصیرات خود را به گردن گرفت و از همسر سابقش طلب بخشش نمود و از فیض خداوند سخن گفت و اضافه نمود که «من اغلب به اشتباهاتی که در طول دوران ازدواجمان مرتکب شدم فکر می‌کنم، اما یادآوری این موارد به من کمک می‌کند که خدا را به خاطر بخشش و فیضش سپاسگزار باشم. من نمی‌توانم کارهای گذشته خود را محو کنم، ولی قادرم به خداوند اجازه دهم تا کاری کند که من قدردان فیضش باشم.» او آموخت که باید اجازه دهد تا گناهان

گذشته‌اش شرایطی را برای او ایجاد کنند که او فیض مسیح را تجلیل کند. مسیح نه تنها بخشنده است، بلکه قوت نیز عطا می‌کند و پولس در اول قرن‌تین ۱۵: ۹-۱۰ آن را به این صورت توصیف می‌کند: «زیرا من کهنترین رسولان هستم و لایق نیستم که رسول خداوند خوانده شوم، چونکه بر کلیسای خداوند جفا می‌رسانیدم، لیکن به فیض خدا آنچه هستم هستم و فیض او که بر من بود باطل نگشت، بلکه بیش از همه ایشان مشقت کشیدم، اما نه من بلکه فیض خدا با من بود.»

پولس لیاقت رسالت را نداشت و این موضوع، بزرگی کار خداوند را در فرا خواندن و انرژی بخشیدن به او در طول خدمتش نشان می‌دهد. ما در این متون می‌بینیم که این حقایق چه تغییراتی در زندگی افراد ایجاد نموده‌اند. در ذهنتان تصور کنید که اگر کل جماعت کلیسا این موضوع را دریابند چه اتفاقی روی خواهد داد. نیایش‌ها و شهادت‌ها بر زبانمان جاری خواهد شد. باشد که خداوند ما و کلیسایش را با فیض فزاینده خود پر سازد.

### مؤثرتر بودن در یاری رساندن به دیگران

سرانجام زمانی که خداوند شما را یاری می‌دهد تا بتوانید گناهان گذشته خودتان را از منظر انجیل تفسیر نمایید، خاطرات تلختان شما را یاری می‌دهد تا در خدمت به دیگران مؤثرتر عمل نمایید. پس از اینکه پولس در اول تیموتاؤوس ۱: ۱۵ خودش را به عنوان بدترین گناهکار معرفی می‌کند در آیه ۱۶ چنین می‌گوید: «بلکه از این جهت بر من رحم شد تا اول در من، مسیح عیسی کمال علم را ظاهر سازد تا آنانی را که به جهت حیات جاودانی به وی ایمان خواهند آورد را نمونه باشم.» چرا عیسی صبر نامحدود خود را در مقابل پولس به نمایش می‌گذارد؟ «تا آنانی را که به وی ایمان خواهند آورد را نمونه باشم.»

به نظر پولس، زندگی‌اش نمونه‌ای بود برای کاری که خداوند برای دیگران انجام خواهد داد. بخشش گناهان پولس توسط خداوند برای شنوندگان او امید به ارمغان خواهد آورد. درمورد تیموتاؤوس، پولس می‌دانست که این کار نوعی تشویق بود که تیموتاؤوس به آن نیاز داشت، زیرا که او می‌خواست با اعتماد به نفس انجیل را بشارت دهد و با الگو قرار دادن پولس به گناهکاران دیگر امید بدهد. این کار در امر خدمت به گناهکاران دیگر چه تأثیری دارد؟ یکی از اثرات آن این است که شما قادر خواهید بود مشکلشان را کاملاً درک کنید، زیرا که خودتان به نوعی آن را تجربه کرده‌اید. می‌توانید آن را به اشتباهات دیگران ارتباط دهید، زیرا که شرم‌انگیز بودن آن را کاملاً احساس می‌کنید. از آنجایی که پولس خودش گناهکار بود می‌توانست وضعیت سایر گناهکاران را درک کند. از آنجایی که خداوند شما را برکت داده، گذشته گناه‌آلود شما می‌تواند حساسیت و شفقت شما را افزایش دهد.

علاوه بر این قادر خواهید بود با الگو قرار دادن زندگی خودتان به آنها امیدواری بدهید، خطاهای شما زندگی‌تان را به نابودی نکشانید همانطور که نباید زندگی دوستتان را به ورطه نابودی بکشاند. شما می‌توانید آنها را با پاسخی که مسیح به مشکلات می‌دهد آشنا کنید. شما می‌توانید برای آنها توضیح دهید که خداوند چگونه همه گناهان شما را بخشید و به شما کمک کرد تا آنها را از نو تفسیر نمایید. در فصل اول رساله دوم قرن‌تین پولس کار عظیم خداوند در زندگی‌اش را به خاطر می‌آورد و با به یاد آوردن این عمل عظیم قدرت می‌یابد تا به قرن‌تین خدمت کند: «مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدر رحمت‌ها و خدای جمیع تسلیات است که ما را در هر تنگی تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم» (دوم قرن‌تین ۱: ۳-۴).

تسلی که خداوند به پولس می‌دهد او را قادر می‌سازد تا بتواند دیگران را تسلی دهد. هر چند که اینجا پولس از جدالی که با خاطرات تلخ داشته است سخنی به میان نمی‌آورد، اما از کششی که به سمت گناه اتکا به خود دارد آگاه است. زیرا ای برادران نمی‌خواهیم شما بی‌خبر باشید از تنگی که در آسیا به ما عارض گردید که بی‌نهایت و فوق طاقت بار کشیدیم به حدی که از جان هم مأیوس شدیم، لیکن در خود فتوای موت داشتیم تا بر خود توکل نکنیم، بلکه بر خدا که مردگان را برمی‌خیزاند، با وجود وسوسه، تجربه‌ای که پولس از فیض خدا دارد به او اعتماد به نفس مضاعفی عطا می‌کند تا بتواند به مردم قرن‌تس کمک کند. در آیات ۱۰-۱۱ او درمورد تأثیری که رهایی او بر دیگران خواهد داشت سخن می‌گوید.



عمل زنا جیسن Jason را مجبور کرد که از خدمت در مسیحیت دست بکشد و او از این امر درس بزرگی آموخت. کلیساهای اطراف او به کسانی که چنین گناهانی را مرتکب می‌شدند اجازه شبانی نمی‌داد. «من می‌دانم که خداوند مرا بخشیده است، با این وجود کاملاً ناامید شده‌ام، خدا چطور می‌تواند بعد از انجام این اعمال باز هم از وجود من استفاده کند؟» نگاه کردن از منظر پولس باز هم امیدبخش است. گناهان جیسن به خدمت او پایان نبخشید. زمانی که او با افرادی برخورد نمود که با مشکلی مشابه درگیر بودند یأس و ناامیدی‌اش به امید تبدیل شد.

علاوه بر اینکه عمیقاً توبه کرد و از فیض خداوند سپاسگزار بود، خداوند از او استفاده کرد تا به کسانی کمک کند که مرتکب گناهان مشابه شده بودند و یا هوس به انجام آن آنها را تهدید می‌کرد. او و همسرش دست یاری به سوی زنان و شوهران دراز کردند و به آنها کمک کردند تا در مسیر اعتراف و بخشش خداوند گام بردارند و زندگی زناشویی خود را از نو بسازند. خداوند خطاهای او را احیا نمود و خاطرات احیا شده‌اش او را در امر خدمتش یاری داد.

زمانی که خاطرات گذشته آزارتان می‌دهد، پادشاهی خداوند را زیر سؤال نبرید. این سیاست شیطان است که شما را دچار اشتباه کند، به جای آن خداوند را به خاطر تعهداتش سپاسگزار باشید. او قول داده است تا در حماقت‌های شما کار کند تا شما نسبت به گناهکاران دیگر حساس‌تر باشید. از او بخواهید که درهای خدمت را به روی شما باز کند و مانند پولس رسول به شما حکمت و شجاعت عطا نماید تا بتوانید فیض نجات‌بخش او را در زندگی‌تان تجربه کنید.

### نتیجه‌گیری

شاید شما قادر نباشید که خاطره گناهان گذشته را از ذهن خود محو کنید. باز هم ممکن است این خاطرات به سوی شما حمله‌ور شوند. با این وجود لازم نیست که آنها را پاک کنید و یا از آنها فرار کنید. لازم نیست که از وجودشان عذاب بکشید. گناه می‌تواند بال‌هایش را روی سر شما پهن کند، اما شما هرگز نباید به آن اجازه بدهید که بر سر شما لانه کند. نجات‌دهنده شما از گذشته‌تان بزرگتر است. در مسیح می‌توانید گذشته‌تان را احیا نمایید، شما می‌توانید پیاموزید که گذشته‌تان را از دیدگاه انجیل مجدداً مورد تعبیر و تفسیر قرار دهید. همانطور که اول تیموتاؤوس ۱ آموزش می‌دهد اگر از گذشته‌تان درکی انجیلی داشته باشید توبه‌ای عمیق‌تر و سپاسگزاری بیشتری نسبت به فیض نجات‌بخش خداوند و تأثیر بیشتری در کمک کردن به دیگران خواهید داشت. باشد که خداوند خاطرات آزاردهنده شما را احیا کند تا بتوانید عمیق‌تر، بیشتر و موثرتر در فیض او عمل کنید.